



احکام شرعی مربوط به اموال دولتی

حکم برداشتن اموال دولتی به جای مطالبات شخصی

حوزه / محیط کار معمولاً با فراز و نشیب های مختلفی همراه بوده که در بسیاری موارد، سؤالات شرعی فراوانی برای افراد به وجود می آورد؛ دانستن جواب چنین سؤالاتی، کارمندان را در انجام خدمات هر چه بهتر یاری خواهد کرد.

*برئ الذمه شدن در مورد اموال دولتی

سؤال: چندین سال است که مقداری از اموال مربوط به بیت المال نزد من است و اکنون می خواهم خود را برئ الذمه نمایم، وظیفه من چیست؟.

پاسخ: اگر آنچه که از اموال بیت المال نزد شماست، از اموال دولتی مختص به اداره خاصی از اداره های دولتی باشد، باید در صورت امکان به همان اداره برگردانید و آلا باید به خزانه عمومی دولت تحویل بدهید. (۱)

سؤال: این جانب اقدام به استفاده شخصی از بیت المال کرده ام، وظیفه من برای برئ الذمه شدن چیست؟. استفاده شخصی از امکانات بیت المال تا چه حدی برای کارمندان جایز است؟ و در صورتی که با إذن مسئولین مربوطه باشد، چه حکمی دارد؟.

پاسخ: استفاده کارمندان از امکانات بیت المال در ساعات رسمی کار به مقدار متعارفی که مورد ضرورت و نیاز است و شرایط کاری بیانگر إذن به کارمندان در این مقدار از استفاده است، اشکال ندارد و همچنین استفاده از امکانات بیت المال با إذن کسی که از نظر شرعی و قانونی حق اذن دارد، بدون اشکال است. در نتیجه اگر تصرفات شخصی شما در بیت المال به یکی از دو صورت مذکور باشد، چیزی در این رابطه به عهده شما نیست، ولی اگر از اموال بیت المال استفاده غیرمتعارف کرده باشید و یا بدون إذن کسی که حق اذن دارد، بیشتر از مقدار متعارف استفاده نمایید، ضامن آن هستید و باید عین آن را اگر موجود باشد، به بیت المال برگردانید و اگر تلف شده باشد، باید عوض آن را بدهید و همچنین باید أجرة المثل استفاده از آن را هم، در صورتی که أجرة داشته باشد به بیت المال بپردازید. (۲)

سؤال: مبلغی معادل دو ماه حقوق ماهیانه ام را بر اثر اشتباه از حسابدار دریافت کردم و مسئول مؤسسه را هم مطلع نمودم ولی مبلغ اضافی را برنگرداندم و در حال حاضر حدود چهارسال از آن می گذرد، با توجه به اینکه جزء بودجه مالی سالانه مؤسسات دولتی است، چگونه می توانم آن مبلغ را به حساب مؤسسه برگردانم؟.

پاسخ: اشتباه حسابدار مجوز قانونی برای دریافت مبلغی بیشتر از مقدار مورد استحقاق نیست و واجب است مبلغ اضافی را به آن مؤسسه برگردانید هر چند جزء بودجه سال قبل آن باشد. (۳)

*استفاده شخصی از ماشین اداری

سؤال: از طرف نهادهای مربوطه ماشین هایی در اختیار مدیران مؤسسات مسئولین نظامی قرار می گیرد تا از آنها در امور اداری استفاده کنند، آیا شرعاً جایز است از آنها برای کارهای شخصی و غیراداری استفاده شود؟.

جواب: جایز نیست مدیران و مسئولین و سایر کارمندان در هیچ یک از اموال دولتی تصرفات شخصی کنند، مگر آنکه با اجازه قانونی نهاد مربوطه باشد. (۴)



*برداشتن اموال دولتی

سؤال: اگر بعضی از مسئولین از بودجه ای که جهت خرید غذا و میوه برای میهمان های رسمی اداری در اختیار آنان گذاشته می شود، سوء استفاده کنند و آن را در موارد دیگری مصرف نمایند، این کار چه حکمی دارد؟.

پاسخ: مصرف نمودن اموال دولتی در غیرمواردی که اجازه داده شده، در حکم غصب است و موجب ضمان می باشد، مگر آنکه با اجازه قانونی مقام مسئول بالاتر صورت بگیرد. (۵)

*برداشتن مال دولت به جای مطالبات شخصی

سؤال: اگر شخصی مقداری حقوق یا مزایای خاصی که به طور قانونی به او اعطا شده از دولت طلب داشته باشد، ولی دلائل قانونی برای اثبات حق خود در اختیار نداشته باشد و یا قادر بر مطالبه آن نباشد، آیا جایز است به مقدار حق خود از اموال دولتی که در اختیار دارد به عنوان تقاص بردارد؟.

پاسخ: جایز نیست اموال دولتی را که به عنوان امانت در اختیار و تحت تصرف او هستند به قصد تقاص برای خود بردارد، در نتیجه اگر مال یا حقی از دولت، طلب دارد و می خواهد آن را بگیرد برای اثبات و مطالبه آن باید از راه های قانونی اقدام نماید. (۶)

*استفاده از بودجه اختصاصی اداری

سؤال: کسی که برخلاف مقررات قانونی از اموال دولتی استفاده شخصی یا غیرشخصی نموده، تکلیف شرعی او چیست؟.

پاسخ: استفاده از اموال دولتی برخلاف مقررات، موجب ضمان است و باید عوض آن را به صندوق همان بخش واریز نماید. (۷)

سؤال: کسی که به یک سازمان دولتی بدهی دارد (مثلاً از تلفن آن سازمان برای کار خصوصی استفاده کرده و نظیر آن)، آیا می تواند آن بدهی را به سازمان دیگری که آن هم دولتی است، بپردازد؟.

پاسخ: باید به همان سازمانی که به آن بدهکار است، رد کند. (۸)

سؤال: آیا افراد شاغل در ادارات و مؤسسات دولتی که وسایل و امکانات دولت در اختیارشان است، می توانند با تأمین هزینه مصرفی؛ مانند سوخت اتومبیل، از پول شخصی خود، از این امکانات جهت کار شخصی استفاده نمایند؟.

پاسخ: تابع مقررات دولت اسلامی است؛ بدون اجازه قانونی مسئولین مربوطه جایز نیست. (۱۰)

*استفاده شخصی از تلفن و امور دیگر

سؤال: در بعضی از ادارات دولتی مرسوم است که هر کس از تلفن دولتی استفاده شخصی کند، پنجاه ریال در صندوق مخصوصی واریز می کند؛ آیا این کار اشکال دارد؟.

پاسخ: با اجازه مسئولین مربوطه اشکال ندارد. (۱۱)



سؤال: بعضی تصرفات جزئی در اموال دولتی که متعارف است و مسئولان ادارات دولتی هم از آن نهی نمی کنند؛ (مانند یادداشت کردن امور شخصی به وسیله خودکار و کاغذ دولتی یا درست کردن چای و مانند آن) چه حکمی دارد؟.

پاسخ: تصرفات جزئی متعارف مانع ندارد. (۱۲)

سؤال: اگر در حین انجام وظیفه توسط کارمند متعهد و مسئول که مشغول رفع خرابی از سیستمی متعلق به دولت است، خسارتی بر قسمتی از دستگاه وارد شود و قسمتی از آن بسوزد، با توجه به آن که کاملاً مشخص و محرز است که شخص نامبرده سعی خود را نموده، هیچ گونه غرض و اهمال کاری در بین نبوده است، آیا خسارت آن به عهده کارمند است یا خیر؟.

پاسخ: اگر خسارت را او بر دستگاه وارد نکرده ضامن نیست، ولی اگر او خسارت زده، ضامن است. (۱۳)

*حقوق گرفتن بدون کار کردن

سؤال: بعضی از کارکنان بنا به عللی در ماه، یکی یا دو روز را به سر کار نمی آیند، آیا شرعاً مسئول کار می تواند مزد روزی را که آن کارگر یا کارمند نیامده، بدهد؟.

پاسخ: تابع مقررات استخدامی است. (۱۴)

*گرفتن فوق العاده در مرخصی

سؤال: روزهایی که انسان در مرخصی است، در ازای همان روزها حقوق و فوق العاده گرفتن چه حکمی دارد؟.

پاسخ: تابع قرارداد استخدام و مقررات دائره مربوطه است. (۱۵)

سؤال: آیا شخصی که دارای شغل آزاد است و منبع درآمدی دارد، جایز است در ارگان های دولتی کار کند و از آنجا هم حقوق دریافت کند؟.

پاسخ: تابع مقررات دولت اسلامی است. (۱۶)

*جبران کم کاری

سؤال: این جانب چندین سال است در اداره دولتی کار می کنم، ولی از آنجایی که گهگاه نتوانسته ام درست و صحیح دینم را ادا کنم و خودم را بدهکاری دانم، آیا می توانم برای ادای دینم در یکی از ارگان ها یا مساجد و یا درمانگاه های متعلق به مردم کار کنم یا اینکه حتما باید در همان سازمان کار کنم و یا اینکه آیا می توانم پول کم کاری را حساب کنم و بپردازم یا نه؟ اگر می شود به چه حساب و کجا بپردازم؟.

پاسخ: به همان سازمان که مدیون هستید، باید ادا نمایید. (۱۷)

سؤال: آیا کسی که از اموال شخصی مانند تلفن یا بنزین برای مصارف دولتی استفاده می نماید، حق دارد عین یا بهای آن را از اموال دولتی برای خود استفاده نماید؟.

پاسخ: بدون اجازه مسئولین مربوطه حق ندارد. (۱۸)

سؤال: کسی که برخلاف مقررات قانونی از اموال دولتی استفاده شخصی یا غیرشخصی نموده، تکلیف شرعی او چیست؟

پاسخ: استفاده از اموال دولتی برخلاف مقررات، موجب ضمان است و باید عوض آن را به صندوق همان بخش واریز نماید. (۱۹)

سؤال: معمولاً وظایف افرادی که در سازمان ها اشتغال دارند به آنان ابلاغ می شود. اگر کسی در انجام امور محوله کوتاهی و کم کاری نماید، پولی که به عنوان حقوق ثابت هر ماه دریافت می کند، از نظر شرعی چه حکمی دارد؟.

پاسخ: اگر در مقابل کاری که انجام نداده پول بگیرد، مالک آن مقدار نمی شود و باید به همان اداره عودت دهد. (۲۰)

[illegible]

اسراف در اموال و اقتصاد این است که انسان مال را مصرف کند بدون آنکه این مصرف اثر و کارایی داشته باشد.

مقام معظم رهبری

سوال : اینجانب اقدام به استفاده شخصی از بیت‌المال کرده‌ام، وظیفه من برای بری‌الذمه شدن چیست؟ استفاده شخصی از

امکانات بیت‌المال تا چه حدی برای کارمندان جایز است؟ و در صورتی که با اذن مسئولین مربوطه باشد، چه حکمی دارد؟

پاسخ : استفاده کارمندان از امکانات بیت‌المال در ساعات رسمی کار به مقدار متعارفی که مورد ضرورت و نیاز است و شرایط کاری بیانگر اذن به کارمندان در این مقدار از استفاده است، اشکال ندارد و همچنین استفاده از امکانات بیت‌المال با اذن کسی که از نظر شرعی و قانونی حق اذن دارد، بدون اشکال است. در نتیجه اگر تصرفات شخصی شما در بیت‌المال به یکی از دو صورت مذکور باشد، چیزی در این رابطه به عهده شما نیست، ولی اگر از اموال بیت‌المال استفاده غیر متعارف کرده باشید و یا بدون اذن کسی که حق اذن دارد، بیشتر از مقدار متعارف استفاده نمایید، ضامن آن هستید و باید عین آن را اگر موجود باشد به بیت‌المال برگردانید و اگر تلف شده باشد، باید عوض آن را بدهید و همچنین باید اجرت المثل استفاده از آن را هم در صورتی که اجرت داشته باشد به بیت‌المال بپردازد.

[illegible]

حفظ بيت المال (۱)

بيت المال چیست؟

«بیت المال» از دو کلمه «بیت» و «مال» ترکیب شده که به فارسی می‌شود «خانه مال» که همان خزانه است. در فرهنگ لغت هم این گونه

معنی، کرده‌اند: «جایی، که در آن مالی را گذارند که همه مسلمانان را در آن حق باشد.» (۱)

مقصود از بیت المال در ابتدا، خانه‌ای بوده که در آن اموال رانگاه می‌داشته‌اند، این اموال احیاناً شامل صدقات، غنائم و فی بوده است، اما بعدها کلمه بیت‌المال بر خود اموال، اطلاق شده، نه بر محل نگهداری آنها و کلمه «بیت المال مسلمین» دایره خاصی را شامل می‌شود که متعلق به



عموم مسلمانان است. «۲»

بنابراین بیت المال، عبارت است از اموالی که دولت اسلامی در اختیار دارد اعم از اینکه واسطه دریافت از مؤدیان و پرداخت به موارد مصرف آن بوده، (مانند **زکات** و کفارات که مصرف آنها در شرع اسلام معین گردیده است) یا خیر، از درآمدهای دولت بوده ولی دارای مصرف از پیش تعیین شده‌ای نیست، بلکه مصرف آن، مصالح مسلمانان به صورت کلی می‌باشد. به هر دو بخش این اموال بیت المال اطلاق می‌گردد. اما کلمه بیت المال مسلمانان برای بخش دوم این اموال اصطلاح شده یعنی به درآمدهایی از دولت که دارای مصارف از پیش تعیین شده‌ای نبوده، بلکه مصرف آن مصالح مسلمانان به صورت کلی است. مانند جزیه و خراج، بیت المال مسلمانان گفته می‌شود.

بیت المال از آن کیست؟

بنابراینچه بیان شد، اموالی که دولت اسلامی دریافت می‌کرده بر دو گونه است:

- ۱- بخشی از آنها جهت مصرف مشخصی دریافت می‌شده و دولت، واسطه دریافت از مؤدیان و پرداخت به موارد مصرف آن بوده. مانند **زکات** و کفارات که مصرف آنها معین گردیده است، دولت گرچه این اموال را در اختیار خود می‌گیرد، اما موظف است که در مصارف تعیین شده صرف کند. این گونه اموال متعلق به عموم مسلمانان نیست و از بیت المال مسلمانان بشمار نمی‌رود.
 - ۲- بخشی دیگر از درآمدهای دولت دارای مصارف از پیش تعیین شده‌ای نیست بلکه مصرف آن مصالح مسلمانان است (این اموال، بیت المال مسلمانان نام دارد). گاهی مصالح آنان ایجاب می‌کند صرف نیازمندیهای عمومی جامعه از قبیل بنای راهها، پلها، مساجد، بیمارستانها و غیره شود و گاهی نیز مصالح اقتضا می‌کند بیت المال بین مسلمانان تقسیم شود و به هر کدام سهمی از آن پرداخت گردد، مانند دوره‌ای که فقر و نیازمندی بر غالب افراد جامعه چیره شده باشد. در این صورت به همه افراد مسلمان، سهمی پرداخت می‌گردد. «۱»
- ضرورت حفظ بیت المال

مسائل اقتصادی- مالی در پایداری کشورها نقشی اساسی دارد، از این رو، تخصیص بودجه سالانه و حساب دخل و خرج مملکت، اهمیت حیاتی دارد که دست اندرکاران و متخصصان امور مالی از آن غافل نیستند. از سوی دیگر، وظیفه فردی هر کسی که بگونه‌ای با بیت‌المال سرو کار دارد نیز ایجاب می‌کند که منتهای دقت، دلسوزی و امانتداری را نسبت به بیت المال- هر چند ناچیز باشد- اعمال کند و اجازه ندهد که حیف و میل شود و به یاد داشته باشد که در روز بازپسین در برابر دستگاه **عدل** الهی باید پاسخگو باشد. قرآن مجید می‌فرماید:

«وَتَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَمَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَأَنْ كَانَ مِثْقَالُ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَاهَا وَ كَفَىٰ بِنَاحِسِينَ» «۱»

روز قیامت، ترازوهای **عدل** را بر پی می‌کنیم، به هیچ کس ستم نمی‌شود، اگر (عملی) به اندازه یک خردل هم باشد، آن را به حساب می‌آوریم و این کافی است که ما حسابرس هستیم.

همچنین باید آگاه بود که اموال عمومی، متعلق به همه ملت است و حیف و میل حتی یک تومان آن تجاوز به **حقوق** دیگران است.

بیت المال، **امانت** مردمی

آنان که اموال عمومی را در اختیار دارند، باید همواره آگاه باشند که از سوی مردم و حکومتی که متعلق به آنان است، امین شناخته شده‌اند و این اموال به عنوان **امانت** به آنها سپرده شده است و امانتداری ایجاب می‌کند که **امانت** را به گونه‌ای صحیح و طبق مصلحت به کار گیرند یا به اهل امانت برگردانند. چنانکه قرآن مجید می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا» «۱»

خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانتها را به صاحبانش برگردانید.

دیگر این که اموال عمومی و بودجه اختصاصی را باید در محلی که قانون و شرع معین کرده است به کار گرفت و هرگونه جابجایی و تغییر و تحوّل برخلاف درستی و امانتداری است. قرآن مجید پیرامون یکی از موارد بیت المال چنین رهنمود می‌دهد:

«أَمْثَلُ الصَّدَقَاتِ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَ فِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» «۲»

صدقات (زکات) فقط برای فقیران، مسکینان، کارگزاران جمع آوری آن، به دست آوردن دل مخالفان، آزاد کردن بندگان، قرضداران، **انفاق** در راه



خدا و مسافران در راه مانده است (واین) فریضه‌ای از جانب خداست و خدا دانا و حکیم است.

خیانت به بیت المال و پیامدهای آن

هرگونه سوء استفاده، حیف و میل و سُستی نسبت به بیت المال خیانت محسوب می‌شود که بطور جدی باید از آن پرهیز کرد؛ زیرا امیرمؤمنان علیه‌السلام فرموده است:

«اغْطَمُ الْخِيَانَةُ خِيَانَةُ الْأَمَةِ» «۳» بزرگترین خیانت، خیانت به اَمّت است.

و در سخنی دیگر منشاء خیانت را کم تقوایی و بی دینی دانسته، می‌فرماید:

«الْخِيَانَةُ دَلِيلٌ عَلَى قِلَّةِ الْوَرَعِ وَ عَدَمِ الدِّيَانَةِ» «۴»

خیانت، نشانه کمبود ورع و بی دینی است.

انسانهای لالابالی، بی تقوا و دارای ایمان ضعیف که تنها به فکر گذران زندگی چندروزه- به شکل بهتری- هستند، دست خیانت به اموال دیگران دراز می‌کنند و به عبارت دیگر، خائنان به اموال عمومی، افراد دونماید و خودپسندی هستند که حاضرند با ضربه‌زدن به منافع عمومی و خالی کردن جیب مردم، وضع زندگی خود را بهبود بخشند، غافل از آن که چنین انجامی، فرجامی زشت و ناگوار دارد که گوشه‌ای از آن را در زیر می‌خوانیم:

الف- اجتماعی

خواه ناخواه، خیانت به اموال عمومی، تأثیر منفی و ناهنجاری- پیدا و پنهان- بر اجتماع خواهد گذاشت، از آن جمله می‌توان هرج و مرج

اجتماعی، عدم امنیت مالی و سقوط ملّی را نام برد، که پیرامون هر یک، توضیح مختصری می‌دهیم:

۱- هرج و مرج اجتماعی: کسی که بدون حساب و کتاب در بیت المال تصرف می‌کند، درواقع بخشی از قانون را زیر پا نهاده که به همان نسبت، سبب هرج و مرج اجتماعی شده است و زحمتهای تنظیم و تخصیص بودجه را نیز به هدر داده و باعث رکود کارها می‌شود.

۲- سلب امنیت مالی: گسترش روحیه بی بندوباری و حیف و میل اموال عمومی، امنیت مالی مملکت را درهم می‌ریزد و اعتماد مسئولین رده بالا را از یکسو و اعتماد مردم را از سوی دیگر سلب می‌کند و نتیجه اش، این می‌شود که مردم، دیگر از پرداخت حقوق و مالیات دولتی، سرمایه گذاری در بخش خصوصی و دولتی و هرگونه همکاری با دولت سرباز زنند و خود نیز در استفاده از اموال عمومی که در اختیارشان قرار می‌گیرد، احساس وظیفه نخواهند کرد، و چه بسا از این طریق زیانهای بزرگی به بیت‌المال وارد شود و کارگردانان اصلی نظام نیز با نگرانی و تشویش خاطر و بد گمانی با مسائل برخورد کنند.

۳- سقوط ملّی: حیف و میل بیت المال، کم کم، زشتی آن را از بین می‌برد، به افراد دیگر نیز سرایت می‌کند و شیرازه مملکت را از هم

می‌پاشد، زیرا کارگردانان خائن به جای رسیدگی به امور مردم و پیشبرد برنامه‌های مختلف مملکت، به خوشگذرانی و عیاشی و خرج کردن پولهای به یغما برده مشغول می‌شوند و چنین کاری به تنهایی برای سقوط یک مملکت کافی است.

نمونه بسیار روشن و گواه کافی آن، خیانت «شاه» و کارگزاران بی کفایت اوست که اموال عمومی را ثروتی بادآورده حساب می‌کردند و به دلخواه خویش آن را به مصرف می‌رساندند بگونه‌ای که ظرف پنجاه سال حکومت خاندان منحوس پهلوی بر ایران، یک رکود و سقوط همه جانبه‌ای به بار آمد که آثار شوم آن تا سالیانی دراز از بین نخواهد رفت، این در حالی بود که بنا به گفته سفارت ایران در «کاراکاس»: شاه مخلوع ایران به تنهایی مبلغ ۲۵ بیلیون دلار ارز از کشور خارج کرد که اگر هزار سال عمر می‌کرد روزی پانصد و پنجاه هزار تومان می‌توانست خرج کند. «۱»

ب- فردی

علاوه بر زیانهای اجتماعی که بر شمردیم، خیانت در بیت المال، خسارتهایی را بطور مستقیم متوجه شخص خائن می‌کند از جمله:

۱- فقر و درماندگی: معمولاً کسی که از راه حرام، درآمدی کسب کند و با سرکیسه کردن مردم، گذران زندگی کند، در نهایت به فقر و فلاکت دچار خواهد شد، چرا که «بادآورده را باد ببرد». و خائن غالباً سزای خیانت خود را در همین دنیا خواهد چشید.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

«مَنْ كَسَبَ مَالًا مِنْ غَيْرِ حِلٍّ أَفْقَرَهُ اللَّهُ» «۲»



هرکس ثروتی را از راه حرام به دست آورد، خدا او را فقیر خواهد کرد.

۲- **خشم** و غضب الهی: دومین اثر سوء حیف و میل بیت المال، برانگیخته شدن **خشم** الهی است؛ زیرا خداوند نسبت به عموم مردم مهربان است و هرکس نسبت به آنان، کمترین ستمی روا دارد، دچار **خشم** او می‌شود. حضرت علی **صلوات** الله علیه به یکی از کسانی که اموال عمومی را به یغما برده بود می‌نویسد:

«فَقَدْ بَلَغَنِي عَنْكَ امْرُؤٌ أَنْ كُنْتَ فَعَلْتَهُ فَقَدْ سَخَطْتَ رَبَّكَ وَعَصَيْتَ أَمَامَكَ وَأَخْزَيْتَ أَمَانَتَكَ» (۱)

از توبه من خبری رسیده است که اگر چنان کرده باشی (که من شنیده‌ام) پروردگارت را به **خشم** آورده، امام خود را نافرمانی کرده و امانتت را بی ارزش کرده‌ای.

۳- محرومیت‌های معنوی: کسی که به گناه **خیانت** آلوده گردد و **حقوق** و اموال مردم را پایمال کند به طور قطع از روحیه معنوی محروم خواهد شد و زبانی که از این ناحیه عایدش می‌شود با سودی که از دستبرد به بیت‌المال نصیبش شده است قابل قیاس نیست، او سرمایه معنوی و جاودانی خویش را با اندکی از مال دنیا که پست و ناپایدار است، معامله کرده و با بهبودی زندگی مادی خود، حال **دعا** و راز نیاز با خدا را از دست می‌دهد و از این رهگذر نزد خدا بی اعتبار می‌شود، به نکبت و بدبختی دچار می‌شود و در اثر گناه خیانت، اگر **عمل** نیکی داشته باشد، عملش نابود می‌شود.

امیرمؤمنان علیه السلام پس از آن که **حقوق** مردم را از بیت المال می‌پرداخت، دستور می‌داد آنجا را جارو کنند و بعد چند رکعت نماز می‌خواند و چنین **دعا** می‌کرد:

«اللَّهُمَّ آتِنِي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ذَنْبٍ يُحْطِ الْعَمَلُ، وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ ذَنْبٍ يُعَجِّلُ النَّقْمَ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ ذَنْبٍ يَمْنَعُ الدُّعَاءَ» (۲)

پروردگارا! از گناهی که **عمل** را نابود می‌کند و نکبت را تسریع می‌کند و مانع پذیرفته شدن **دعا** می‌شود به تو پناه می‌برم.

بعید نیست که توام بودن چنین دعایی با پرداخت **حقوق** مردم و در کنار بیت‌المال، نشانگر این نکته باشد که گناهای که آن پیامدهای ناگوار را در پی دارد، در رابطه باحیف و میل و خیانت به بیت المال صورت می‌پذیرد و کسانی که به اموال عمومی **خیانت** ورزند دچار چنین نکبت‌هایی می‌شوند و از حال معنوی محروم خواهند شد.

۴- آتش دوزخ: حرام خواری از گناهان بسیار زشتی است که در اسلام بسیار مورد نکوهش قرار گرفته است و مصر شخصی بیت المال از بارزترین مصداق‌های آن است، کسانی که اموال عمومی را به ناحق می‌خورند، در آخرت در آتش قهر خدا گرفتار خواهند شد.